گزارش

مسعود دانشمند، عضو هیئت‌مدیره اتاق بازرگانی ایران به «شرق» توضیح می‌دهد

نگرانی برای فرار سرمایه

عضو هیئت‌مدیره اتاق بازرگانی ایران، با هشدار درباره خروج فزاینده سرمایه پس از جنگ ۱۲روزه اخیر، می‌گوید که تا همین‌جا هم بدون جذب سرمایه در زیرساخت‌هایی مثل انرژی و حمل‌ونقل، اقتصاد از نفس افتاده و نباید بگذاریم روند خروج سرمایه شدت بگیرد. خروج از لیست سیاه FATF، اتصال به شبکه بانکی جهانی و کناررفتن دولت از تصدی‌گری، سه گام اصلی است که او به‌عنوان راه خروج از مسیر فرار سرمایه پیشنهاد می‌کند.

در شرایط ابهام پایداری آتش‌بس جنگ ایران و اسرائیل، چالشی با نام احتمال شتاب‌گیری خروج سرمایه از کشور مطرح می‌شود. مسعود دانشمند، عضو هیئت‌مدیره اتاق بازرگانی ایران، در این زمینه به «شرق» توضیح می‌دهد که برای حرکت به سمت حفظ سرمایه‌های موجود و حتی جذب سرمایه در کوتاه‌مدت، نخستین اقدام این است که موضوع FATF را کاملا حل کنیم و از فهرست سیاه خارج شویم. دومین اقدام پیوستن به نظام بانکداری جهانی و سومین بازگرداندن کامل اقتصاد به بخش خصوصی است.

او می‌گوید: «دولت باید به‌صراحت اعلام کند که اقتصاد را به بخش خصوصی بازمی‌گرداند. باید این اطمینان را ایجاد کند تا دست‌کم از خروج سرمایه جلوگیری شود. ما نمی‌گوییم که سرمایه وارد شود، بلکه همین که از خروج آن جلوگیری کنیم، کفایت می‌کند و سپس به سمت حرکت در مسیر رشد گام برداشت».

دانشمند اضافه می‌کند: «گام دوم آن است که حتما با نظام بانکی جهانی آشتی کنیم؛ به عبارتی، باید موضوع سوئیفت حل شود و ما وارد نظام بانکداری جهانی شویم تا بتوانیم جریان اصلی پول را -که ناشی از فعالیت‌های اقتصادی ما هستند- از طریق بانک‌های داخلی کشور هدایت کنیم. اگر این دو مسئله را حل کنیم، در گام بعدی به سرمایه‌گذاری خارجی در کشور نیازمندیم. بدون سرمایه خارجی، هیچ اقدام مؤثری نمی‌توان انجام داد. اکنون مجموع درآمدهای ما، مثلا از محل صادرات غیرنفتی به‌علاوه نفت و گاز، جمعا حدود صد میلیارد دلار در سال است. این رقم به‌هیچ‌وجه برای سرمایه‌گذاری و حرکت اقتصادی ما که بتواند اقتصاد پویای قابل قبول و روزآمدی در جهان باشد، کفایت نمی‌کند».

این فعال اقتصادی می‌افزاید: «برای مثال در حوزه نفت و گاز ما دست‌کم باید چندصد میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنیم. در حوزه‌هایی که می‌توان به آنها «حوزه‌های نفتی و گازی مشترک» اطلاق کرد، اگر سرمایه‌گذاری نکنیم، طرف‌های مقابل سهم ما را خواهند برد. افزون بر این، اگر قیمت تولید نفت و گاز ما گران تمام شود، به ناچار از بازار جهانی کنار گذاشته خواهیم شد. علاوه بر آن، ما به زیرساخت نیاز داریم؛ یعنی به جاده، بندر، حمل‌ونقل و در کل سیستم لجستیکی نیاز داریم که بتواند کالای تولیدی ما را منتقل کند. در این زمینه، ما دست‌کم به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در لجستیک نیاز داریم. در حال حاضر، تنها بندر اصلی ما، بندر شهید رجایی است که آن هم آسیب‌پذیر است و این آسیب‌پذیری را به‌وضوح دیده‌ایم. به عنوان مثال، اگر فرض کنیم که فردا صبح همه تحریم‌ها لغو شوند، حجم صادرات و واردات ما حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. در حال حاضر، چیزی حدود ۶۵ میلیون تن صادرات داریم. این عدد اگر افزایش یابد، به بالای صد میلیون تن خواهد رسید، در حالی که بنادر ما پاسخ‌گوی ۲۰۰ میلیون تن صادرات و واردات نخواهند بود. بنابراین، ما نیازمند بازسازی گسترده هستیم. به فرودگاه، به هواپیما و به سیستم حمل‌ونقل ریلی نیاز داریم».

او تاکید دارد که سیستم ریلی کشور باید بتواند وظیفه خود را به‌درستی انجام دهد ولی اکنون نمی‌تواند. برای نمونه، برای بازگشت یک واگن از مبدأ به مقصد اگر شرایط خوب باشد، ۴۰ روز زمان می‌برد که این بیانگر ناکارآمدی سیستم است. به همین دلیل هم هست که راه‌آهن ما همواره زیان‌ده بوده و ناکارآمدی آن مشهود است.

همچنین دانشمند نقش دولت تصدی‌گری اقتصادی را یادآوری می‌کند و می‌گوید: «شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی باید از این نقش کناره‌گیری کنند. اقتصاد باید به بخش خصوصی واگذار شود تا بتواند به‌درستی حرکت کند. واقعیت آن است که ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی سال‌ها پیش صادر شد و هدف این بود که بخش خصوصی فعال شود و دولت فقط در موارد ضروری که بخش خصوصی آمادگی ندارد، سرمایه‌گذاری کند. اما در عمل، دولت آن ابلاغیه را کنار گذاشته و خودش وارد عمل شده است. شرکت‌های فنی، شرکت‌های وابسته به دولت، شرکت‌های صوری و شرکت‌هایی که به نوعی به نیروهای نظامی وابسته‌اند، همچنان فعالیت دارند. در این شرایط، فضای فعالیتی برای بخش خصوصی باقی نمی‌ماند».

دانشمند باور دارد اگر این عوامل در کنار روشن‌شدن تکلیف سیاسی کشور باشد، هم شفافیت مالی ایجاد می‌شود و هم اینکه می‌توانیم رتبه فضای کسب‌وکار خود را ارتقا دهیم. در آن صورت، امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم می‌شود.

او ادامه می‌دهد: «البته باید برای شاخص فلاکت نیز فکری کرد؛ هم تورم باید اصلاح شود و هم نرخ بی‌کاری. چراکه در حال حاضر، اگر کسی بخواهد در ایران سرمایه‌گذاری کند، ابتدا سراغ بانک یا مشاور مالی خود می‌رود. آنها به او خواهند گفت که ایران را توصیه نمی‌کنیم؛ چراکه شفافیت مالی وجود ندارد، رتبه فضای کسب‌وکار پایین است و عوامل دیگر. این عدم توصیه‌ها باید به توصیه تبدیل شوند تا بتوانیم جذب سرمایه داشته باشیم. برای این تحول، دولت باید اجازه دهد که بخش خصوصی فعالیت کند. در یک اقتصاد مدرن امروزی، سه نقش برای دولت قائل هستند: هدایت، نظارت و حمایت از سرمایه‌گذاری. بیش از این، دولت نباید در فعالیت اقتصادی دخالت داشته باشد. هرجا که دولت دخالت کرده، نتیجه‌ای جز خسارت برای مردم و افت سطح اقتصاد کشور نداشته است. بنابراین توصیه ما آن است که دولت هیچ کاری نکند جز اینکه همان سه نقش اصلی خود را ایفا کند و اجازه دهد مردم فعالیت کنند. اکنون این جنگ ۱۲روزه به پایان رسیده، اما اگر دوباره به شرایط پیش از جنگ بازگردیم -یعنی دولت همه‌کاره باشد، بخش خصوصی کنار گذاشته شود و شرکت‌های شبه‌دولتی همچنان فعالیت کنند- هیچ دستاوردی برای اقتصاد کشور نخواهد داشت».

سازمان امور مالیاتی با اصلاح تبصره ۱۰۰ فرایند پرداخت مالیات را برای کسب‌وکارهای خُرد تسهیل کرد

مالیات در خدمت کسب‌وکارهای کوچک

کارنامه عملکردی اقتصاد کشور از نظر شفافیت و البته سهولت کسب‌وکار چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد. رتبه ایران در شاخص سهولت کسب‌وکار جهان بین ۱۶۵ کشور ۱۲۷ است و از آن سو وضعیت کشور در شفافیت اقتصادی هم تعریف چندانی ندارد. براساس گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل که شاخص «درک فساد» را هرساله برای ۱۸۰ کشور جهان منتشر می‌کند، هر کشور در مقیاسی از صفر (بسیار فاسد) تا صد (بسیار پاک) رتبه‌بندی می‌شود و ایران در رده‌بندی سالانه ۲۰۲۴ نتوانست نمره‌ای بهتر از ۲۳ کسب کند. براساس این رتبه‌بندی، ایران در رده ۱۴۶ جهان در شاخص سالانه ادراک فساد قرار دارد. در این میان، الکترونیک‌کردن و شفاف‌کردن فرایند مالیاتی کشور به صورت جدی در دستور کار قرار گرفته و در همین راستا مشوق‌ها و تسهیلات مالیاتی برای صاحبان کسب‌وکارهای خرد در نظر گرفته شده است.

سازمان امور مالیاتی به دنبال شفافیت

در دو سال اخیر، سازمان امور مالیاتی ایران با تمرکز بر هوشمندسازی و استفاده از داده‌های دقیق، تحولات گسترده‌ای را در نظام مالیاتی کشور ایجاد کرده است. این اقدامات شامل توسعه سامانه‌های پیشرفته، کاهش فرایندهای دستی، افزایش سرعت رسیدگی به پرونده‌ها و همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان است که به افزایش شفافیت، عدالت مالیاتی و اعتماد عمومی کمک کرده‌اند. همچنین تغییر ساختار سازمانی و تشکیل «معاونت هوشمندسازی مالیاتی» نشان‌دهنده عبور از مدل سنتی به نظام مبتنی بر داده و فناوری‌های نوین است. حسابرسی سیستمی جایگزین مدل سنتی شده و با تحلیل داده‌های مالیاتی، تمرکز بر پرونده‌های پرریسک افزایش یافته است. همچنین، استفاده از اظهارنامه‌های پیش‌فرض مبتنی بر داده و کاهش رسیدگی دستی موجب صرفه‌جویی در هزینه و زمان شده است. از نظر عدالت مالیاتی، افزایش سقف معافیت‌ها و حمایت از کسب‌وکارهای خرد باعث شده است بخش بزرگی از مالیات پرداختی به صورت عادلانه‌تر توزیع شود و بار مالیاتی از مؤدیان کوچک کاهش یابد.

حمایت مالیاتی از کسب‌وکارهای خرد

در این بین، تبصره ماده ۱۰۰ یکی از راهکارهای مالیاتی است که در قانون مالیات‌های مستقیم برای تسهیل و تشویق صاحبان مشاغل در پرداخت مالیات پیش‌بینی شده است. به‌طور ساده، این تبصره به افرادی که فروش سالانه آنها تا صد برابر سقف معافیت مالیاتی باشد، این امکان را می‌دهد که از ثبت‌نام و ارائه اظهارنامه مالیاتی معاف شوند. به عبارت دیگر، خرده‌فروشان می‌توانند از انجام برخی از مراحل پردردسر مالیاتی معاف شوند.

این در حالی است که تا پیش از این کسانی که میزان فروش سالانه آنها تا ۱۰ برابر سقف مالیاتی بود می‌توانستند از مزایای این تبصره بهره‌مند شوند. این تبصره بیشتر برای اشخاص حقیقی که مشاغل کوچک دارند در نظر گرفته شده است و شامل شرکت‌های تجاری نمی‌شود. در نهایت، به‌عنوان یکی از مزایای این تبصره، مالیات محاسبه‌شده برای مؤدیانی که از این تبصره استفاده می‌کنند، فقط هشت درصد بیشتر از مالیات مقطوع سال گذشته آنها خواهد بود. این یعنی در نهایت مالیات کمتری نسبت به حالت عادی پرداخت می‌کنند. براساس تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم، مؤدیان صنوف خُرد می‌توانند با اتکا بر سازوکار خوداظهاری، بدون نیاز به ارائه مستندات فیزیکی یا طی تشریفات اداری مرسوم، تکالیف مالیاتی خود را به شکل ساده و شفاف انجام دهند. بنا بر گفته فعالان اقتصادی، اجرای این ماده قانونی با حذف الزامات ارائه اسناد و مدارک زائد و بازنگری در فرایندهای اداری، زمینه ارتقای چابکی و بهره‌وری عملیاتی را در نظام مالیاتی کشور فراهم کرده است. حالا مؤدیان صنوف خُرد می‌توانند با اتکا به سازوکار خوداظهاری، بدون نیاز به ارائه مستندات فیزیکی یا طی تشریفات اداری مرسوم، تکالیف مالیاتی خود را به شکل ساده و شفاف انجام دهند؛ رویکردی که ضمن کاهش بوروکراسی و ارتقای شفافیت، ظرفیت نظارت و تحلیل داده‌محور را در فرایند تصمیم‌گیری مالیاتی تقویت می‌کند. گذشته از این، با توجه به شرایط اقتصادی کشور، افزایش سقف عددی تبصره ۱۰۰ با هدف حمایت مؤثرتر از اصناف به‌ویژه مشاغل خرد و آسیب‌پذیر، از سوی دولت و با همکاری سازمان امور مالیاتی کشور ضمن تسهیل فرایندهای مالیاتی و کاهش مشکلات اداری، می‌تواند زمینه بهره‌مندی طیف گسترده‌تری از فعالان اقتصادی را از مزایای این تبصره فراهم آورد.

فعالان اقتصادی می‌گویند با فراهم‌شدن امکان انتخاب محل هزینه‌کرد مالیات توسط صاحبان مشاغل، اطمینان از تخصیص بخشی از منابع مالیاتی به حوزه‌هایی مانند امور خیریه، سلامت و سایر عرصه‌های عمومی، می‌تواند مشوق مؤثری برای افزایش مشارکت داوطلبانه اصناف در پرداخت مالیات باشد. این رویکرد، حتی فراتر از الزام قانونی، زمینه‌ساز بروز مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر در میان فعالان اقتصادی خواهد بود و آنان را به مشارکت‌های داوطلبانه گسترده‌تر در امور خیریه و خدمات عمومی ترغیب خواهد کرد. مژگان قناتی، عضو کمیسیون بیمه و مالیات اتاق اصناف ایران، درباره مزایای هوشمندسازی زیرساخت‌های رسیدگی امور مالیاتی، توضیح می‌دهد: حسابرسی سیستمی موجب سهولت چشمگیر امور مالیاتی و کاهش قابل توجه مراجعه حضوری به ادارات مالیاتی در سراسر کشور شده است. همچنین حرکت سازمان از رسیدگی‌های سنتی به سمت حسابرسی هوشمند به‌ویژه برای کسب‌وکارهای کوچک و خانوادگی و همچنین مشاغلی که توسط افراد مسن مدیریت می‌شوند، اهمیت زیادی دارد؛ چراکه بسیاری از این افراد ترجیح می‌دهند امور خود را با روش‌های ساده و قابل دسترس‌تر پیش ببرند. بااین‌حال، لازم است تعیین ضرایب و ارقام اعلام‌شده متناسب با شرایط واقعی درآمدی هر گروه صنفی باشد تا تمامی فعالان اقتصادی بتوانند به‌طور عادلانه از مزایای این روند بهره‌مند شوند.

فعالان اقتصادی می‌گویند با فراهم‌شدن امکان انتخاب محل هزینه‌کرد مالیات توسط صاحبان مشاغل، اطمینان از تخصیص بخشی از منابع مالیاتی به حوزه‌هایی مانند امور خیریه، سلامت و سایر عرصه‌های عمومی، می‌تواند مشوق مؤثری برای افزایش مشارکت داوطلبانه اصناف در پرداخت مالیات باشد

چرا در ایران تورم هست اما در افغانستان نه؟

کامیاب ابوالقاسمی: یکی از پدیده‌های عجیب در مقایسه اقتصاد ایران و افغانستان، تفاوت چشمگیر در نرخ تورم است. در حالی که ایران با تورم بالای ۳۰ درصد دست‌وپنجه نرم می‌کند، نرخ تورم در افغانستان حدود ۰.۵ درصد گزارش شده است. از طرفی، در ایران شاهد کاهش مکرر ارزش پول ملی و جهش‌های ارزی هستیم، اما در افغانستان چنین شوک‌هایی بسیار نادر و کم‌دامنه هستند. این سؤال به‌درستی مطرح می‌شود که چطور کشوری مانند افغانستان، با ساختاری شکننده، سال‌ها جنگ، بی‌ثباتی سیاسی و نبود زیرساخت‌های کارآمد، توانسته تورمی به مراتب پایین‌تر از ایران داشته باشد؟ آیا ممکن است نبود دولت قوی، خود به کنترل تورم منجر شده باشد؟

نگاهی تطبیقی به وضعیت تورم در ایران و افغانستان

در ایران، یکی از ریشه‌های اصلی تورم، کسری بودجه مزمن دولت است. در مواجهه با این کسری، دولت به خلق پول از طریق استقراض از بانک مرکزی متوسل می‌شود؛ روشی که مستقیما پایه پولی را افزایش می‌دهد و به رشد تورم منجر می‌شود. مشکل بزرگ‌تر آن است که بانک مرکزی ایران استقلال ندارد و نرخ بهره نه بر پایه شرایط بازار، بلکه به شکل دستوری و از بالا تعیین می‌شود. در افغانستان، ماجرا متفاوت است. نظام بانکی عملا غیرفعال است و دولت نه ابزار مالی دارد و نه توان و اراده برای خلق نقدینگی در مقیاس وسیع. بخش عمده‌ای از مبادلات اقتصادی در افغانستان با ارزهای خارجی، به‌ویژه دلار، انجام می‌شود؛ به همین دلیل، تورم پولی عملا شکل نمی‌گیرد. در ایران اقتصاد به‌شدت به واردات وابسته است. افزایش نرخ ارز مستقیما بر قیمت کالاهای وارداتی، از مواد اولیه گرفته تا خوراک دام، تأثیر می‌گذارد. نتیجه آن، تورم عرضه‌ای شدید است که پس از هر جهش ارزی، خود را در قیمت‌ها نشان می‌دهد. اما در افغانستان، با توجه به دلاریزه‌بودن اقتصاد و محدودبودن واردات صنعتی، اثر نوسانات نرخ ارز بر قیمت‌ها کم‌دامنه‌تر و اغلب غیرمستقیم است. از منظر دیگر، سرعت گردش پول در ایران بسیار بالاست. بی‌ثباتی سیاسی، تحریم‌ها و ترس از آینده، مردم را به سمت خرج سریع پول سوق می‌دهد. این انتظارات تورمی، در کنار حجم بالای نقدینگی، زمینه‌ساز تورم تقاضاست. در مقابل، در افغانستان، مردم عمدتا درگیر بقا هستند. قدرت خرید پایین، تحرک مالی اندک و نبود تقاضای مؤثر باعث شده گردش پول بسیار کند باشد. در چنین اقتصادی، حتی اگر قیمت‌ها تمایلی به افزایش داشته باشند، تقاضا وجود ندارد که آنها را به بالا بکشد. همچنین، مکانیسم‌های انتقال تورم در ایران بسیار فعال‌ترند. در اقتصاد ایران، قیمت خدمات، اجاره مسکن، دستمزدها و بسیاری دیگر از شاخص‌ها، همگی تابعی از نرخ ارز و انتظارات تورمی هستند. در واقع، اقتصاد ایران بسیار حساس به تورم و انتظارات آن است. اما در افغانستان، اقتصاد ساده‌تر است. ساختار قیمتی انعطاف‌ناپذیرتر است و تغییرات قیمتی در خدمات، اجاره و حقوق‌ها معمولا کند، دیرهنگام و با فاصله زمانی انجام می‌شود. چون نقدینگی خلق نمی‌شود، انتظارات تورمی شکل نمی‌گیرد و در نهایت تورم نیز بروز نمی‌کند.

آیا تورم پایین به معنای رفاه است؟

نباید فراموش کرد که کنترل تورم فقط یکی از معیارهای اقتصاد کلان است. پایین‌بودن نرخ تورم الزاما به معنای رفاه بیشتر نیست. اگرچه ایران با تورم بالا مواجه است، اما سطح رفاه نسبی در ایران (هرچند با شیبی نزولی) همچنان بالاتر از افغانستان است. دلیل این تفاوت در سطح رفاه را باید در عواملی نظیر وجود ساختارهای نهادی، سرمایه‌گذاری‌های عمومی در آموزش، بهداشت، شهرسازی، ارتباطات و زیرساخت‌ها جست‌وجو کرد. ایران در سه بخش اصلی اقتصاد -صنعت، کشاورزی و خدمات- دارای تولید نسبی و متنوع است و سطح عمومی ارائه خدمات عمومی بسیار بالاتر از افغانستان است. ایران همچنین از سیستم‌های حمایتی گسترده‌تری بهره‌مند است؛ نظام بیمه، یارانه‌های نقدی و کالایی، صندوق‌های بازنشستگی و نهادهای حمایتی متعدد. این در حالی است که چنین سازوکارهایی در افغانستان یا بسیار محدودند یا اساسا وجود ندارند. در نتیجه اگرچه افغانستان از نظر آماری تورم پایین‌تری دارد، اما این به‌هیچ‌وجه نشانه رفاه بیشتر نیست، بلکه در اغلب موارد نشان‌دهنده فروپاشی تقاضا، ضعف ساختار اقتصادی و نبود مکانیسم‌های پشتیبان است.

تورم پایین الزاما مثبت نیست

برای ارزیابی واقعی رفاه، شاخص‌هایی همچون نرخ بی‌کاری، درآمد سرانه و سطح قدرت خرید هم باید مورد توجه قرار گیرند. براساس آمارهای رسمی، تفاوت نرخ بی‌کاری میان ایران و افغانستان حدود هفت درصد است که به احتمال زیاد در آمارهای غیررسمی بیشتر هم هست. درآمد سرانه سالانه ایرانی‌ها به‌طور میانگین بالای سه‌هزارو ۵۰۰ دلار است، در حالی که در افغانستان این عدد کمتر از ۵۰۰ دلار است. این اختلاف به‌خوبی نشان می‌دهد که در افغانستان تقاضای مؤثر برای کالا و خدمات اساسا وجود ندارد و همین یکی از دلایل اصلی پایین‌بودن تورم در این کشور است. در واقع قدرت خرید پایین و نبود جریان اقتصادی مؤثر، تورم را از ریشه خنثی می‌کند. اما این کنترل طبیعی و منفعلانه تورم، نشانه ثبات نیست، بلکه علامتی از رکود و فقر مزمن است.

آیا نبود دولت عامل کاهش تورم است؟

گاهی این تصور مطرح می‌شود که چون افغانستان دولت قدرتمندی ندارد، دچار تورم هم نشده است. اما حقیقت این است که خودِ بودن یا نبودن دولت ذاتا عامل ایجاد یا کنترل تورم نیست؛ آنچه اهمیت دارد، نحوه عملکرد دولت است، نه صرفا وجود آن. تورم زمانی شکل می‌گیرد که سیاست‌های پولی و مالی نادرست در پیش گرفته شود؛ مانند خلق بی‌رویه پول، گسترش کسری بودجه یا دخالت‌های غیرکارشناسی در بازار ارز و نرخ بهره. بنابراین وجود یک دولت به‌خودی‌خود به معنای بروز تورم نیست، اما اگر آن دولت در مدیریت اقتصادی ناکارآمد عمل کند، زمینه‌ساز ناپایداری‌های تورمی خواهد شد. از سوی دیگر، اگر دولتی به‌کلی از فرایندهای اقتصادی خارج شود و نقشی در تنظیم و هدایت اقتصاد ایفا نکند، ممکن است با تورم هم مواجه نشود؛ اما به همان میزان، رفاه، پویایی و حتی حیات اقتصادی را نیز از دست خواهد داد. در چنین حالتی، به‌جای کنترل تورم، با نوعی بی‌حرکتی اقتصادی مواجه هستیم. در مورد افغانستان، نبود یک دولت متمرکز و ابزارهای سیاست‌گذاری مؤثر موجب شده نه امکان خلق نقدینگی وجود داشته باشد و نه اجرای سیاست‌هایی که معمولا تورم‌زا هستند. اما این وضعیت نشانه موفقیت اقتصادی نیست، بلکه بیانگر فروپاشی سازوکارهای مالی، رکود عمیق و غیرفعال‌بودن کامل اقتصاد است. به عبارت دیگر، نبود دولت قوی، نه مانع تورم است، نه تضمینی برای ثبات قیمت‌ها. آنچه در افغانستان می‌بینیم، اقتصادی منجمد و فاقد تحرک است؛ بازاری که در آن نه تقاضای مؤثر شکل گرفته، نه عرضه‌ای جدی وجود دارد و نه سیاست‌گذاری اقتصادی فعالی انجام می‌شود. ثبات قیمتی ظاهری در این کشور، حاصل کنترل نیست، بلکه محصول سکون و بی‌تحرکی مطلق است. در نهایت، باید تأکید کرد که این سیاست‌های اقتصادی هستند که تورم را شکل می‌دهند، نه صرفا بودن یا نبودن یک دولت. تفاوت در کیفیت حکمرانی، درجه مداخله و نحوه مدیریت منابع مالی است که مسیر اقتصاد را به سوی رشد، رکود یا تورم هدایت می‌کند.

تورم پایین به چه قیمتی؟

در نهایت، باید به این نکته مهم توجه کرد که هدف نهایی اقتصاد نه‌فقط کنترل تورم، بلکه ایجاد تعادل میان سه عنصر کلیدی است: رشد، اشتغال و ثبات قیمت‌ها. تورم پایین اگر به قیمت فروپاشی تقاضا و توقف فعالیت اقتصادی تمام شود، نه‌تنها سودی ندارد، بلکه خود نشانه‌ای از وضعیت خطرناک اقتصادی است. اقتصاد سالم نه‌فقط تورم پایین دارد، بلکه هم‌زمان از رشد پایدار، اشتغال نسبی و قدرت خرید کافی برای مردم برخوردار است. نبود تورم، اگر همراه با نبود زندگی اقتصادی باشد، ارزشی ندارد.

خبر

۳ عامل در زیان‌دهی ایران‌خودرو

به گزارش تسنیم، صورت‌های مالی سه‌ماهه نخست سال جاری ایران‌خودرو حکایت از زیان شش هزار میلیارد تومان عملیاتی و بیش از ۹ هزار میلیارد تومان زیان خالص دارد؛ موضوعی که برخی را با این سؤال مواجه کرده که حالا که مدیریت ایران‌خودرو خصوصی شده، چرا روند ایجاد زیان متوقف نشده است؟

فروش با قیمت قدیم، هزینه با دلار آزاد

بررسی صورت‌های مالی نشان می‌دهد که فروش محصولات ایران‌خودرو در سه‌ماهه اول سال ۱۴۰۴، همچنان براساس قیمت‌های قبلی مصوب وزارت صمت بوده که پایه این قیمت‌ها براساس صورت‌های مالی ۱۴۰۲ و تراز مالی اردیبهشت ۱۴۰۳ محاسبه شده است. درواقع نرخ فروش خودروهای فاکتورشده در سه‌ماهه اول سال جاری با دلار ۴۰ هزار تومانی است، درحالی‌که هزینه‌های تولید شامل مواد اولیه و قطعات با دلار ۷۰ هزار تومانی تأمین شده است. این ناهماهنگی بین درآمد و هزینه، شکاف عمیقی در سودآوری شرکت ایجاد کرده است.

تولید با زیان؛ چرخه معیوب خودروسازی

کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که تداوم این ناترازی قیمتی، تولید را از چرخه اقتصادی خارج می‌کند. به عبارت ساده، وقتی بهای تمام‌شده بسیار بالاتر از قیمت فروش باشد، تولید هر خودرو به‌جای سود، زیان بیشتری را تحمیل می‌کند. این موضوع نه‌تنها توان مالی شرکت را تحلیل می‌برد، بلکه تأمین سرمایه در گردش و توسعه خطوط تولید را نیز با چالش مواجه می‌کند.

۲۰۰ هزار تعهد تحویل؛ سایه سنگین قیمت‌گذاری دستوری

مدیران ایران‌خودرو در مجمع عمومی سال جاری اعلام کردند بیش از ۲۰۰ هزار سفارش خودرو با قیمت‌های قدیم در دست اجرا دارند. این یعنی حتی با اصلاح قیمت‌ها در خرداد ۱۴۰۳، اثر این تغییر در صورت‌های مالی سال جاری کم‌رنگ خواهد بود و بار مالی این تعهدات همچنان بر دوش شرکت سنگینی می‌کند. در همین حال در صورت ادامه وضعیت فعلی و افزایش‌نیافتن نرخ نهاده‌های تولید و با اجرای قیمت‌های اصلاح‌شده می‌توان امیدوار بود صورت‌های مالی سال ۱۴۰۴ به سمت سودآوری حرکت کند و زیان‌های عملیاتی و خالص فعلی به صفر برسد.

اعلام نرخ تورم تیرماه؛ تورم سالانه به ۳۵.۳ درصد رسید

نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور در تیرماه ۱۴۰۴، به ۳۵.۳ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۰.۸ واحد درصد افزایش یافته است. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از مرکز آمار ایران، در تیرماه سال جاری، شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور به عدد ۳۶۰.۲ رسید که نسبت به ماه قبل ۳.۵ درصد افزایش، نسبت به ماه مشابه سال قبل ۴۱.۲ درصد افزایش و در ۱۲ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل ۳۵.۳ درصد افزایش داشته است.

تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور

منظور از تورم نقطه به نقطه، درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل است که در تیرماه امسال، تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور، به ۴۱.۲ درصد رسید. یعنی خانوارهای کشور به‌طور میانگین، ۴۱.۲ درصد بیشتر از تیرماه ۱۴۰۳ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. لازم به ذکر است تورم نقطه به نقطه تیرماه ۱۴۰۴ در مقایسه با ماه قبل، ۱.۸ واحد درصد افزایش داشته است.

نوبت دوم

فراخوان آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه)

شهرداری قزوین
سازمان مدیریت آرامستان ها

سازمان مدیریت آرامستان های شهرداری قزوین در نظر دارد، عملیات پروژه افزایش قبور محوطه آرامستان بهشت رضوی را از اعتبارات عمرانی سازمان به ردیف بودجه ۳۲۰۲۰۱۰۰۴ به شرکت های واجد صلاحیت (دارای رتبه حداقل پایه ۵ رشته ابنیه) واگذار نماید. لذا متقاضیان میتوانند جهت اطلاع از شرایط و دریافت اسناد مناقصه به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه و اسناد مذکور را دریافت نمایند.

• برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) میباشد و به صورت مناقصه عمومی با شرکتهای دارای صلاحیت قید شده در اسناد مناقصه اقدام میگردد. پاکتهای الف، ب و ج میبایست در سامانه بارگذاری شده و اصل سپرده شرکت در مناقصه (پاکت الف) به میزان مندرج در اسناد به دبیرخانه سازمان تحویل گردد.

• تضمین شرکت در مناقصه: ۶،۳۷۵،۳۲۵،۲۲۰ ریال می باشد .

• آدرس: قزوین ـ کمربندی جمهوری ـ چهارراه نوبلی ـ کیلومتر ۳ جاده فارسیان تلفن: ۳۳۸۸۵۵۵۱-۰۲۸

شناسه آگهی : ۱۹۷۵۵۳۲

نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۵/۰۸ نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۵/۰۹

حسین عمویی – رییس سازمان مدیریت آرامستان های شهرداری قزوین

۲۸۳۱